



غارت بیت المال و اعتصابات گسترده در فولاد خراسان (نیشابور)

مهندس "دشت بزرگی" مدیرعامل فولاد خراسان از مدیران پروازی دولت وساکن تهران میباشد و بامزایای بالغ بر ۱۲ میلیون تومان وهزینه سفر پروازی بالغ بر یک میلیون تومان در ماه فردی است که پس از اعتصابات گسترده و نارضایتی پرسنل محل کار سابقش فولاد آذربایجان به مدیر عاملی فولاد خراسان برگزیده شد. او مورد حمایت گسترده سبحانی نیا نماینده نیشابور که از اقوام بهشتی پور از پرسنل حراست فولاد خراسان و جاسوس این واحد است قرار دارد. مهندس "دشت بزرگی" در تهران آشنایان زیادی دارد. او با همدستی برخی مدیران خود از جمله مدیر حراست فریدون صبوریان که رییس کمیته آهن قراضه بوده و دارای تخلفات گسترده و گرفتن رشوه های هنگفت در درجه بندی قراضه ها میباشد و با مومنی یکی از وارد کنندگان قراضه رابطه نزدیکی دارد. صبوریان از مزایای بیش از ۸ میلیون در ماه برخوردار میباشد و حتی افتخار نمیدهد که در نیشابور زندگی کند بلکه در بهترین خانه شرکت در بلوار سجاد مشهد ویا سرویس اختصاصی از شرکت هرروز رفت و آمد میکند. مهندس ضیا معاون بهره برداری وصاحب شرکتهای متعدد از جمله "نسوز اذر" که مواد نسوز فولاد خراسان را با تخلفات گسترده تهیه میکند. او بازنشسته ذوب آهن است که پروازی از اصفهان به مشهد-نیشابور بوده و با مزایای بیش از ۸ میلیون در ماه برای چپاول در فولاد خراسان میباشد. و مهندس سروری معاون بازرگانی شرکت که خودهمرا صبوریان با اسمهای ساختگی قراضه به شرکت میفروشند و دارای پرونده های زیادی در تخلفات خرید و فروش با همدستی پارسا و صابر مدیرانش میباشد سروری بدون رشوه کار هیچ پیمانکاری را راه نمی اندازد اودریافتی و مزایای بالغ بر ۸ میلیون در ماه دارد.

ادامه در صفحه ۴

گزارشی از هشت مارس در لاهه

سپیده همراز

Sepideh-Hamraz@hotmail.com

بعد از چند ماه تدارکات سیاسی فنی روز جهانی زن فرا رسید. فعالین کارزار در هلند هفته ها بود که تدارکات را شدت بخشیده بودند و شب و روزشان با هشت مارس رقم می خورد. اعلامیه ها به زبان هلندی در مسیر تظاهرات و در خانه ها پخش می شد تا ساکنین منطقه از اهداف و نظرات ما مطلع شوند. اعضا تیم تدارکات مرتب بین خانه های مختلف، چاپخانه، محل جلسه، فروشگاه، فرودگاه و ایستگاه قطار در رفت و آمد بودند. مسئولین با روزنامه ها، رادیو و تلویزیون ها در تماس بودند، برای مصاحبه، برای فراخواندنشان به پوشش دادن به تظاهرات. حمایت ها از نقاط مختلف می رسید و باید برای پخش آماده می شد. بنرها و پوسترها بر چوب ها سوار می شد، بازوبندهای انتظامات تهیه میشد، روی بادکنک ها شعارنویسی میشد... این همه کارهای ریز و درشتی بود که درست انجام شدنشان در موفقیت تظاهرات اساسی بود.

بحث و تبادل نظر در شب هفت مارس از آنجا که تظاهرات صبح روز هشت مارس بود و بسیاری از شرکت کنندگان از شهرها و حتی کشورهای دیگر به لاهه می آمدند، معلوم بود که بسیاری روز هفت مارس در لاهه خواهند بود. به همین خاطر به پیشنهاد و همت برخی فعالین کارزار در پاریس از این فرصت استفاده کردیم و جلسه ای در بحث و گفتگو در باره دیدگاه های مختلف شرکت کنندگان از کارزار و جنبش زنان در شب هفت مارس تدارک دیده شد. محل جلسه دفتر سازمان پناهندگی پرایم بود، این دوستان که نقش مهمی در موفقیت راهپیمائی کارزار ایفا کردند، اجازه داده بودند که ساختمان دفترشان در این چند روزه به تسخیر فعالین کارزار در آید.

بعد از ظهر هفت مارس خبر تاسف بار فوت پوران بازرگان، به گوشمان رسید و این خبر باعث تأثر همگی و بخصوص کسانی که پوران را از نزدیک می شناختند شد و به سرعت پیامی از طرف کارزار در بزرگداشت زندگی وی تهیه شد. پیامی که آغازگر جلسه مان شد. در جلسه که توسط جمیله ندائی اداره می شد، نه نفر از فعالین کارزار بحث هایی در رابطه با نظرات خود ارائه دادند و سپس حاضرین نظرات خود را مطرح کردند. بحث هایی هر چند کوتاه ولی بسیار عمیق حاوی نگرش های مختلف در مورد کارزار، چگونه پرداختن به اختلاف نظر در عین پیشبرد عمل مشترک، استقلال جنبش زنان، نقش و رابطه جنبش زنان با طبقات و مبارزه طبقاتی ارائه شد.

ادامه در صفحه ۲

شعر و ادبیات

در صفحه ۷

سال ۶۸، چشم اندازها، وظایف

در صفحه ۶

مشترک مبارزاتی.

هشت مارس

نوشتاری و تصویری از مبارزات دانمارک در سایت هشت مارس موجود است.

زنی با چادر سیاه، ماسکی سفید و بی چهره و زنجیر سنگینی بر گردن، به نشانه وضعیت زنان در ایران در میان ما قرار گرفت. این بخشی از تاتر خیابانی بود که قرار بود مقابل سفارت به اجرای برنامه خود بپردازد. گروه طبالان هلندی که سال پیش نیز ما را همراهی کرده بودند خود

از ساعت ۱۰ صبح خیل زنان و مردان به سوی میدان مانفولد در نزدیکی ایستگاه مرکزی لاهه سرازیر بود. پرچم ها و بادکنک های رنگی از دور همه را به خود می خواند، نزدیک تر که

گزارشی از هشت مارس در لاهه

فضای حاکم بر جلسه و عمق بحث ها، نشان از رشد و پختگی جنبش زنان و گرایش انقلابی در جنبش زنان بود.



را آماده می کردند. بالاخره تظاهرات با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر امپریالیسم، به سوی سفارت آمریکا در لاهه به راه افتاد. جلوی سفارت همه به انگلیسی شعارهای مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دست آمریکا از خاورمیانه کوتاه و... را فریاد می کردند. یکی از شرکت کنندگان که از آسیای جنوب شرقی است و مدتهاست در هلند زندگی می کند می گفت کاری که می کنید خیلی مهم است، از قبل از حمله جنگ عراق، یعنی سال ۲۰۰۳ حتی یک تظاهرات هم مقابل این سفارت انجام نشده و این کار شما تاثیر زیادی خواهد گذاشت. وجود خبرنگاران فراوان در این مسیر نشان از کار وسیع مطبوعاتی فعالین هلند و تأیید نظر این دوست بود.

می شدی سرود کارزار زنان گردش خون را در رگ هایت تندتر می کرد. در میدان دوستانی را که از سال گذشته شناخته بودیم باز میافتیم. در عین آمادگی برای حرکت و به دست گرفتن پرچم ها و بنرها از فعالیت های مبارزاتی در شهرها و کشورهای دیگر جويا می شدیم. سوم مارس در بسیاری از شهرها مبارزاتی به مناسبت روز جهانی زن سازماندهی شده بود. آکسیون فرانکفورت بسیار موفقیت آمیز بود و نزدیک به سی نفر را از فرانکفورت به لاهه آمده بودند. رفقای دانمارک به علت مبارزه مهمی که با پلیس دانمارک در گرفته بود امکان پیشبرد برنامه شان را نیافتند ولی با تجارب مهمی از این مبارزه به لاهه آمده بودند... (گزارشات برگزاری سوم مارس، بعلاوه چند گزارش

امیدواریم بحث های ارائه شده بطور مدون شده در اختیار همگان قرار گیرد چرا که پرداختن بیشتر و عمیق تر به مسائل مطرح شده برای تکامل جنبش زنان ضروری است.

بعد از جلسه نیز بحث های کناری تا پاسی از شب بین بسیاری از دوستان در حلقه های مختلف ادامه یافت. یکی از ویژگی های کارزار زنان و موفقیت های تا به امروزی مان این بوده که توانسته ایم نه تنها با وجود تفاوت های نگرشی با هم فعالیت مشترکی به پیش ببریم، بلکه این تفاوت ها و برخوردهای نظری را به نقطه قوتی برای کار مشترک خود تبدیل کنیم. کاری که امیدواریم بتوانیم در آینده بهتر و بیشتر به پیش ببریم و نمونه ای باشیم برای سایر جنبش های انقلابی در سازماندهی فعالیت های

از سفارت آمریکا گذشتیم و به سوی سفارت ایران به راه افتادیم. صبحی بود با حدود بیش از ۶۰۰ نفر، و ما در کنار خود بسیاری از زنان و مردان از هلند، ترکیه و ... را داشتیم. در طول راهپیمائی شعارهایی به زبان هلندی، انگلیسی و فارسی داده می شد و از بلند گوی تظاهرات اهداف کارزار، به زبان های مختلف به عابرین توضیح داده می شد. امسال نیز مانند سال پیش کارزار زنان علیه کلیه قوانین ضد زن به خیابان آمده بود و با علم به اینکه این هدف بدون سرنگونی جمهوری اسلامی و کوتاه کردن دست امپریالیسم ممکن نخواهد بود، موضع گیری مشخصی ضد جمهوری اسلامی و ضد امپریالیسم داشت. امسال بیش از سال گذشته بر ضرورت ایجاد قطبی که علاوه بر مخالف و مبارزه با جنگ و دخالت امپریالیستی با جمهوری اسلامی نیز مماشات نکند تاکید کردیم چرا که خطر حمله و یا دخالت آمریکا بیشتر شده و بسیاری نه را نه تنها در ایران بلکه در جنبش ضد جنگ در غرب به سوی دفاع از جمهوری اسلامی می کشاند. به همین دلیل بود که امسال بر مسئله خلق جهانی دیگر تاکید کردیم، چرا که دلیل ما در مخالفت با جمهوری اسلامی همان نابرابری و ستم و استثمار است که امپریالیست ها در تمام جهان بانی آنند و این تنها با طرح خطوط جهانی که برای رسیدن به آن مبارزه می کنیم، جهانی که ستم بر زن از آن رخت بر بسته باشد میسر است.

در مسیر راهپیمائی پخش اعلامیه ادامه داشت و عابرین چه پیاده و چه در اتوموبیل ها اغلب با علاقه اطلاعیه ها را از ما می گرفتند. بعلاوه بسیاری از مردم که به حتم اطلاعیه های ما را در خانه شان دریافت کرده بودند و صدای بلندگوهای تظاهرات را می شنیدند به تماشا به کنار پنجره ها آمده بودند و به ما دست تکان می دادند.

به سفارت ایران، محل پایان تظاهرات که نزدیک می شدیم فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی خیابان ها را پر کرد. از پشت میکرفن آذر درخشان برخی جنایات جمهوری اسلامی علیه مردم و بویژه زنان را بر شمرد و مبارزات مردم علیه این رژیم خونخوار را تجلیل کرد. با رسیدن همه در مقابل سفارت، پودיום برپا شد. تئاتر خیابانی کارزار، با تغییراتی نسبت به سال گذشته به همت گیسو شاکری بر زمینه سرود کارزار و در میان فریادهای شادی تظاهر کنندگان اجرا شد. و سخنرانان یکی پس از دیگری به دفاع از مبارزات زنان ایران پرداختند،

از بین المللی بودن مبارزات زنان گفتند بر لزوم اتحاد مبارزاتی زنان علیه ستم تاکید کردند. از جمله سخنرانان آنیا مرلن برگ بود که از زنان سرشناس هلند و از رهبران جنبش فمینیستی این کشور است. وی به زنان ایران درود فرستاد، از اینکه این زنان مجبورند در دو جبهه علیه جمهوری اسلامی و علیه قوانین ضد مهاجر کشورهای مثل هلند مبارزه کنند، گفت و گفت از اینکه هلندی هستم خجالت می کشم. لایلا پرنیان حامل پیام کارزار زنان به جمهوری اسلامی شد و زنان دیگری از افغانستان، آلمان، ترکیه و ... نیز میکروفن را به دست گرفتند. مینا اسدی شاعر انقلابی نیز جمهوری اسلامی را با صلابت همیشگی سخنش محکوم کرد. در پایان آذر شبیانی که مجری برنامه بود و در عین حال پیام ها را از انگلیسی به فارسی و یا بالعکس ترجمه می کرد، قطعنامه کارزار را قرائت کرد.

به هنگام قرائت قطعنامه، رزا وارد صحنه شد، متنی که در دست داشت پاره کرد و گفت «این هم قطعنامه تان» و رفت. این مسئله باعث تعجب عده ای شد که از مبارزات قبلی ما با خبر نبودند. در جلسات درونی کارزار بر سر قطعنامه مبارزاتی در گرفته بود و عدم توافقاتی موجود بود که در جلسه هفت مارس به برخی از آنها اشاره شد. اعتراض به قطعنامه در واقع یکی از تبارزات بیرونی اختلافات و گرایشات متفاوت درون کارزار بود و در عین حال انگشت بر نکته مهمی گذاشت: در جنبش اغلب یا بر اختلافات سرپوش گذاشته شده و اقلیت نظری سرکوب شده است و یا به محض بروز یک اختلاف جدی از هم جدا شده ایم. ولی کسانی که امر رهایی زنان برایشان مهم تر از منافع تنگ نظرانه فردی و یا گروهی است، در عین پیشبرد مبارزات جدی نظری، کنار هم می مانیم چرا که می دانیم هیچ گرایشی به تنهایی به رهائی دست نمی یابد، در مجادلات نظری است که درک همگی مان از ملزومات رهائی و راه پیشروی تعمیق می شود و در همراهی با یکدیگر است که می توانیم بیشترین ضربه را به نظام مردسالار وارد کنیم. این شکل از تبارز بیرونی اختلافات به همراه جلسه هفت مارس قدم نوینی بود که کارزار زنان در زمینه هماهنگ کردن حرکت به پیش جنبش انقلابی زنان برداشت، و تاکید بر لزوم ادامه آن.

با پایان تظاهرات پراکنده شدیم تا دوباره در محلی که به منظور جشن هشت مارس آماده شده بود گرد هم آئیم. این مکان، ساختمان مرکز فرهنگی یکی از سازمان های چپ کارگران ترکیه بود که در حمایت از کارزار به

رایگان در اختیارمان قرار داده بودند. بعد از صرف شام، بحث های کناری، مصاحبه با مطبوعات، آشنائی ها و ... به سالن اصلی رفتیم تا پس از دومین راهپیمائی با شکوه کارزار زنان، شادمانه روز جهانی زن را به پایان برسانیم.

برنامه های هنری با رقص آزادی میترا آغاز شد. با میترا و رقص زیبایی او سال گذشته آشنا شده بودیم و امسال نیز از یک طراحی و اجرای متفاوت و بسیار زیبا بهره بردیم. برنامه ها بسیار متفاوت و شامل موسیقی آذربایجانی، ترانه های انقلابی (که هنگام ترانه های آفتابکاران سالن را به لرزه آورد) بود. شعر خوانی موثر و هنرمندانه زیبا کرباسی به وجدمان آورد و توجه شرکت کنندگان جوانی که با کار وی آشنا نبودند به خود جلب کرد. در کنار برنامه های هنری پیام گروه برگزار کننده هشت مارس در ایران توسط مینا زرین از مسئولین تدارکات که علیرغم زانوی دردناک تمام روز را راه رفته بود قرائت شد و همه را به وجد آورد. فریده نیز پیام فعالین سقر به کارزار را قرائت کرد و صدیقه محمدی از حزب کمونیست ایران پیامی از طرف زنان کرد به شرکت کنندگان داد و به تضادهای مقابل پای زنان چپ کرد اشاره کرد. گیسو شاکری آخرین هنرمندی بود که به صحنه رفت. سیستم صدا در حین آواز گیسو با مشکل مواجه شد، ولی با برخوردی که فقط از آن یک هنرمند انقلابی است، گیسو آرامش خود را حفظ کرد، به خواندن ادامه داد و با صدای زیبا و قدرتمندش بدون حمایت ساز، سالن را تسخیر کرد. در آخر مهری زند که مجری جشن ما بود حاضرین و بخصوص جوانان را به شرکت در جلسه فراخواند و میان در میان شادی همگان به پایان رسید.

قدمی دیگر در راستای رهائی زنان برداشته شد و همگی، به همراه یاران جوانی که اینبار تعدادشان بسیار بود برای برداشتن بحث و تفکر در باره گام های بعدی محل جلسه را ترک کردیم.



مهندس شکرانی مدیر مالی که در گرفتن رشوه استاد میباید و مهندس شمس مدیر اداری که در سرکوب پرسنل دارای نقش اساسی میباید و مهندس زارع که مدیر فولادسازی که از چاپلوسان و نزدیکان مهندس "دشت بزرگی" میباید. او در حال ارتقا میباید "دشت بزرگی" خیلی به او بها میدهد و مهندس ایرانمنش مدیر نورد که همگی دارای مزایایی بیش از چندین برابر پرسنل هستندند. خود پرسنل در ماه فقط ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان دریافتی میدارند . باید به داد این بیعدالتیها رسید هرچند مدیران و "دشت بزرگی" با ترندهای خاص و دادن مبلغی ناچیز بعنوان پاداش عیدی احرسال میخواهند پرسنل را از حق خود دور کنند ولی باید به داد پرسنل فولاد خراسان رسید و آنها را از این همه بیعدالتی و ظلم مدیران نجات داد.

چند تن از پرسنل فولاد خراسان - نیشابور

کارگران یزدی به خاطر نگرتن عیدی اخراج می‌شوند!

در حالی که مسوولان استان یزد در مورد مشکلات جامعه کارگری استان پاسخ قانع‌کننده‌ای ارائه نمی‌کنند، اخراج کارگران کارخانه‌ها و شرکت‌های یزدی به یک امر عادی تبدیل شده است!

به گزارش خبرنگار کار و اشتغال خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منطقه یزد، طی چند هفته اخیر تعداد زیادی از کارگران یزد طعم تلخ اخراج را چشیده‌اند.

یک شرکت فرش‌بافی که در حدود ۱۷۰ کارگر را در استخدام خود دارد، تنها طی چند روز ۱۰ کارگر قراردادی خود را اخراج کرده است. این در حالی است که مسوولان شرکت از تعدیل ۴۰ کارگر دیگر در روزهای آینده خبر می‌دهند.

یک شرکت استخراج ذغال سنگ در طبس نیز ۱۵ کارگر خود را به دلیل آنچه "تخطی از آیین‌نامه ایمنی" نامیده است، اخراج کرده است.

یک شرکت ساختمانی در طبس نیز ۴۵ کارگر خود را به دلیل اتمام پروژه‌های ساختمانی از کار اخراج کرد.

این آمار تنها بخشی از گزارش های اخراج کارگران در روزهای اخیر است.

یک مقام مسوول در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا منطقه یزد اظهار کرد: برخی شرکت‌ها برای

فرار از پرداخت حقوق و پاداش کارگران در آخر سال، کارگران قراردادی خود را در ماه‌های بهمن و اسفند اخراج می‌کنند.

وی افزود: این شرکت‌ها، دوباره همین تعداد کارگر را در ماه‌های اول سال بعد، به استخدام قراردادی خود درمی‌آورند تا از این طریق از پرداخت عیدی و دیگر مزایا فرار کنند.

این مسوول در پاسخ به این سوال که "چه نهادی مسوول نظارت بر استخدام است؟" گفت: اداره کار و امور اجتماعی یکی از نهادهای مهم نظارتی است که به دلیل کمبود امکانات و نیروی انسانی عملاً قادر به تامین نظارت بر نحوه استخدام‌ها نیست.

این روزها اخراج کارگران تنها مسئله موجود نیست، پرداخت نکردن حقوق برای ماه‌های متوالی نیز برای کارگران مشکلات زیادی به وجود آورده است.

کارگران یک شرکت خصوصی که مجری پیمانکار فعالیت‌های اداری و دفتری شهرداری شهرستان طبس است، سه ماه متوالی از پرداخت حقوق کارگران خود سرباز زده است.

کارگران شبکه بهداشت شهرستان بافق نیز نسبت به پرداخت نکردن حقوق دی و بهمن‌ماه، اضافه کار بهمن و اسفند ۸۴ و بسیاری از حقوق و مزایای پرداخت نشده سال ۸۴ تا کنون خود ناراضی هستند.

کارگران یک شرکت کاشی‌سازی در میبد نیز نسبت به آنچه پرداخت نشدن دو ماه حقوق خود است، اعتراض دارند، این شرکت ۳۵۰ کارگر دارد.

کارگران یک شرکت خدماتی در یزد که یکی از شرکت‌های طرف قرارداد با شهرداری یزد است، موفق به دریافت دو ماه حقوق خود نشده‌اند.

۱۷ کارگر نیروی خدماتی یکی از بیمارستان‌های یزد نیز از چهارماه پیش تاکنون حقوقی دریافت نکرده‌اند.

کارگران ایران خودرو در سالروز اعتصاب هفدهم اسفند ماه ۸۴ خواهان بازگشت به کار همکاران اخراجی خود به سرکار شدند

دوستان و همکاران گرامی فردا روز چهارشنبه هفدهم اسفند ماه سالروز اعتصاب شکوهمند کارگران ایران خودرو و مصادف با هشتم مارس روز جهانی زن می باشد سال پیش در چنین روزی عده ای از همکارانمان به عنوان اعتراض به کم بودن پرداخت رکورد تولید در سالنهای تولید تجمع کردند و به دنبال آن این مسئله در شرکت به یک اعتصاب همگانی در آمد.و بلافاصله کمیته اعتصاب شکل گرفت و اعتصاب ادامه یافت

هراس مدیریت از گسترش ادامه اعتصاب و ورود شبانه اعضای بلند پایه مدیریت به سالنها و قول آنها مبنی بر برآورده ساختن خواسته کارگران اعتصاب بعداز سه روز پایان یافت .ولی بعداز گذشت چند ماه مدیریت عده ای از همکاران و فعالین اعتصاب را شناسای و با ترندهای زیرکانه (بهانه پایان قرارداد) از کار اخراج کردند عده ای رانیز به سالنهای دیگر روانه کردند وبا تغییر شکل دادن در پرداخت رکورد و کنار گذاشتن چند تن از مدیران ارشد از جمله مدیر حراست پناهنده و رئیس روابط عمومی غضنفری و مدیران مونتاژ چهار و رنگ توانستند تا حدودی از فشار این مسله بکاهند.

با وجود اعتراض ما کارگران که اعتقاد داریم این افراد بخاطر شرکت در اعتصاب اخراج شده اند ولی مدیریت از بازگشت آنان به کار خوداری می کند. بهانه را پایان قرارداد آنها اعلام می کند ولی ما کارگران ایران خودرو در سالگرد این اعتصاب خواهان بازگشت بدون قید و شرط همکاران خود به سرکار می باشیم.ما این روز شکوهمند را که یک دست آورد بزرگی برای کارگران ایران خودرو بود را گرامی می داریم و روز جهانی زن را به همه زنان زحمتکش به خصوص زنان همکار تبریک می گوئیم و اعتقاد داریم این اعتصاب چراغ راهی خواهد بود که از روشنائی آن سیاهیها به کنار خواهند رفت.

کارگران اخراجی باید به سر کار بر گردند این یکی از خواستههای اساسی ما کارگران است اعتصاب اعتراض حق مسلم ما کارگران در مقابل حق کشی ها و تعرض به منافع ما کارگران است طبق قوانین بین المللی هیچ نهادی حق ندارد کارگران را به خاطر اعتصاب اخراج و یا زندانی کند

همکاران و دوستان عده ای از دوستان ما به خاطر اعتراض بر علیه کم بودن حق رکورد تولید که خود مدیریت اعلام کرده بود که اگر کارگران در روزهای تعطیلی و غیر کاری در سرکار حاضر شوند و تعداد تولید خواسته شده را تولید کنند مبلغی به عنوان حق رکورد تولید به کارگران پرداخت خواهد کرد و ما کارگران در روزهای تعطیلی و جمعه ها از زندگیمان زدیم و در سر کار حاضر شده و رکورد تولید را شکستیم ولی مدیریت زیر قرار خود زد و مبلغی به ما کارگران پرداخت کرد که کمتر از یک پنجم مبلغی اعلام شده بود و برای همین کارگران اعتراض کردند و مدیریت چون نتوانست در آنروز این کارگران را اخراج کند منتظر ماند که آنها از اسباب بیافتند و بعد در زمانهای مختلف و با ترندهای زیرکانه دوستان ما را اخراج و عده ای را به از محل کار خود به





محل کار در سالنهای دیگر بفرستد. ما کارگران اخراج این کارگران را غیر عادلانه می دانیم و این دوستان یک سال است حقوق دریافت نکرده اند آنها باید هر چه سریعتر به سرکار برگردند و مدیریت باید حقوق عقب افتاده آنها را پرداخت کرده و خسارتی که به این کارگران وارد شده را جبران کند.

دوستان ما به اعتراض و تلاش خودمان جهت بازگشت کارگرانی اخراجی ادامه خواهیم دادما از همه سازمانها و نهادهای کارگری می خواهیم همچنان به اخراج کارگران ایران خودرو اعتراض کنندو ما را در این راه تنها نگذارند.

زنده باد اتحاد کارگری .

پیروزی مبارزات حق طلبانه کارگران ایران

جمعی از کارگران ایران خودرو

شانزدهم اسفند ۱۳۸۵

۵ کارگر پوشینه بافت قزوین به اتهام اخلاک و مانع تولید بازداشت شدند

کارگران "پوشینه بافت" قزوین در تماسی گفتند: ۴۸ ساعت است که رییس و یک عضو شورای اسلامی کار و ۳ تن از کارگران پوشینه بافت قزوین به جرم اخلاک و مانع تولید شرکت در بازداشت به سر می برند.

به گزارش خبرنگار گروه کارگری ایلنا، کارگران پوشینه بافت با اشاره به اینکه ۶ ماه حقوق و مزایا طلبکار هستند، گفتند: با توجه به فرا رسیدن سال نو و اینکه ۶ ماه است حقوق و مزایایمان را دریافت نکرده ایم، از بازداشت نمایندگان کارگری به جرم اخلاک و مانع جهت دریافت مطالباتمان به ادارات و نهادها مراجعه می کردیم، تعجب زده شدیم.

این کارگران جرمی را که اطلاعات و امنیت قزوین برای کارگران بازداشت شده در نظر گرفته، اخلاک و مانع کرده و گفتند: در احکام بازداشتی، از این فعالان کارگری به عنوان مانع تولید یاد شده است، در حالی که چندین ماه است تولیدی صورت نمی گیرد، مواد اولیه و قطعات لازم وجود ندارد و کارخانه در تعطیلی به سر می برد.

این کارگران با اشاره به اینکه مطالبات کارگران ۸ ماهه بوده و به تازگی به هر کارگر ۵۰۰ هزار تومان داده اند، گفتند: با توجه به اینکه ۸ ماه حقوق و مزایا طلب کار بودیم و برای تهیه لوازم زندگی و نان سفره هایمان مجبور به

قرض و خرید نسیه از بغال محل بودیم، این ۵۰۰ هزار تومان را باید بابت بدهی هایمان به طلب کاران بدهیم.

این کارگران با ذکر اینکه سید فخرالدین موسوی رییس شورای اسلامی کار، غضنفر کرمی، رحیم بابا، علیرضا فیضی و فرزین برخوردار، کارگران بازداشت شده پوشینه بافت هستند، گفتند: بارها برای آزادی این افراد مراجعه کرده و حتی حاضر شدیم وثیقه لازم مثل سند خانه هایمان را بگذاریم، اما با این مهم موافقت نمی شود.

این کارگران که از ذکر نامهایشان وحشت داشتند، گفتند: گویا ۱۱ نفر دیگر از کارگران در لیست افرادی که باید بازداشت شوند قرار دارند، بنا براین و به دلیل اینکه نمی خواهیم به این لیست ۱۱ نفره اضافه شویم، حاضر نیستیم نامی از ما برده شود.

۰۳-۰۶

تعدادی از کارگران صنایع الکترونیک دماوند و شرکتهای زیرمجموعه آن مقابل مجلس تجمع کردند

تعدادی از کارگران صنایع الکترونیک دماوند و شرکتهای زیرمجموعه آن با تجمع مقابل مجلس نسبت به عدم پرداخت حقوق و اخراج از کارخانه اعتراض کردند.

به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری کار ایران، "ایلنا" همزمان با آغاز جلسه علنی امروز مجلس، جمعی از کارگران صنایع الکترونیک دماوند و شرکتهای الکترونیک مدرن و پژوهش سعادت با تجمع مقابل مجلس عنوان کردند که حدود ۱۵ ماه است حقوق دریافت نکرده اند.

برخی از کارگران حاضر در این تجمع گفتند: مدیرعامل کارخانه از تاریخ ۸۵/۸/۳۰ همه کارگران اعم از قراردادی و رسمی را از کارخانه اخراج کرده و پس از تسویه حساب با کارگران، به جای پرداخت حقوق یا چک به آنها سفته می دهد.

این کارگران با بیان اینکه تاکنون به بیت رهبری و ریاست جمهوری نامه نوشته ایم و شکایت خود را مطرح کرده ایم، افزودند: مابه التفاوت طبقه بندی مشاغل از سال ۷۵ در این کارخانه ها اجرا نشده است. این کارگران خواهان رسیدگی مجلس به مشکلاتشان بودند.

جمعی از کارگران شرکت چوب طالقان مقابل مجلس تجمع کردند

جمعی از کارگران شرکت چوب طالقانی با تجمع مقابل مجلس نسبت به عدم دریافت حقوق خود اعتراض کردند.

به گزارش خبرنگار پارلمانی "ایلنا" همزمان با آغاز جلسه علنی امروز مجلس هفتم، جمعی از کارگران شرکت چوب طالقان با تجمع مقابل مجلس نسبت به عدم دریافت حقوق شش ماهه خود اعتراض کرده و خواستار سیدگی نمایندگان شدند.

این کارگران پارچه نوشته هایی را با خود حمل می کردند که بر آن نوشته شده بود "ریاست مجلس! ما کارگران شرکت چوب طالقان شش ماه است که حقوق نگرفته ای، خواهشمند است دستور فرمایید مسوولان رسیدگی کنند"، "شب عید، سفره خالی، چه باید کرد؟"، "آیا سیاست های نادرست مدیران را کارگران باید بپردازند"، "تولید هست، حقوق نیست"، "حکومت عدل علی این همه بی عدالتی".

علیرضا محجوب، رییس فراکسیون کارگری مجلس هفتم در جمع این کارگران حاضر شد و سخنان کارگران را شنید.

تحصن کارگران شرکت آجر ماشینی ارومیه

موکریان: جمعی از کارگران دائمی شرکت آجر ماشینی ارومیه، از روز سه شنبه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه خود، ضمن بستن درب کارخانه و جلوگیری از فروش محصولات آن، در داخل کارخانه دست به تحصن زدند.

این کارگران که حدود ۷ ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند، اعلام کردند تا زمانی که تمامی مطالبات خود را دریافت نکنند اجازه خروج و فروش محصولات این شرکت را نخواهند داد.

عدم پرداخت ۷ ماهه حقوق و مزایای کارگران کارخانه آجر ماشینی ارومیه

آینده نو: از قرار معلوم آقای «ر. ق» که مدیرعاملی یکی از شرکتهای وابسته به بانک مرکزی را برعهده دارد ۷ میلیون تومان حقوق ماهانه برای خود در نظر گرفته است. وی با جمع مبلغ اضافه کاری، حق جلسه و سفرهای خارجی و حقوق عضویت در هیات مدیره شرکت های تابعه مجموعاً ۶۰ میلیون تومان در ماه حقوق می گیرد! مدیرعامل قبلی این شرکت با فشار بازرسی ریاست جمهوری برکنار شد، اما مدیرعامل جدید که با



سال ۸۵ در شرایطی به پایان رسید که تحولات و وقایع چندی در ماههای پایانی سال پی در پی به وقوع پیوست که چشم اندازی روشن و در عین حال نگران کننده از سال ۸۶ فرا رو قرار میدهد.

رشد فزاینده حرکت‌های اعتراضی کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان..... هر چند هنوز از انسجام و پیوستگی لازم و مطلوب برخوردار نیست ولی هر کدام بیانگر افزایش این باور در بین افراد جامعه است که در برابر رژیم میتوان ایستاد و باید ایستاد و تنها پیکار رودررو و گسترده با جمهوری اسلامی میتواند تحقق خواسته‌ها و ارزشهایشان را عملی سازد.

تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت و فشارهایی که تحریم‌های مصوب بر توان اقتصادی رژیم وارد میکند و ناامنی اقتصادی و سیاسی را برای سرمایه‌ها ایجاد کرده عملاً رژیم را در منگنه قرار داده، هزینه‌های سرسام‌آوری که رژیم برای خریدها و پروژه‌های نظامی و اتمی و حمایت از گروه‌های تروریستی در کشورهای مختلف (که حکم پیاده نظام رژیم را دارند) با آن روبرو است و از همه مهمتر طرح افزایش قیمت بنزین که از اول خرداد به اجرا در می‌آید و تورم وحشتناکی را بدنبال خواهد داشت، روزهای بحرانی و آشفته و خطرناکی را برای رژیم رقم زده است. سران رژیم سیل ویرانگر توده‌های به جان آمده و لبریز از خشم و کین را تنها خطر برای بقای خود میدانند و برای مقابله با آن از هیچ اقدامی فرو گذار نمیکنند گسترش حرکت‌های اعتراضی توده‌ها را دیگر نه جنگ اسلام و کفر نه شعارهای امیرکبیری دوران سازندگی نه وعده‌های زیبا و فریبنده اصلاح طلبان نه رنگ عوض کردن عناصر جنایتکار دهه شصت به عنوان سمبل اصلاح طلبی قادر نیست مهار کند، دیگر حنای شعار قدیمی نجات اسلام از خطر و هیاهوی نجات میهن و وطن ۲۵۰۰ ساله (که جدیداً قدمت ۷۰۰۰ ساله آن کشف شده) رنگی ندارد و برای شکم‌های گرسنه و تنهای رنجور و خسته زیر بار فقر و فساد و اعتیاد تهوع آور شده و تکرار آن خشم و کین توده‌ها را افزون میکند. بخشی از متفکران رژیم به این باور رسیده‌اند که تنها نجات سیاست مشت‌آهین و برخورد از موضع قدرت است. اجرای یک دوره سیاست قل و زنجیر و زندان و اعدام یک دوره سرکوب همه جانبه و گسترده که بهترین مجریان آن نظامیان هستند. به این امید که در پی یک دوره حاکمیت نظامیان به مانند

کشورهای شبلی و ارژانتین.... ترکیه و پاکستان.... فیلیپین و اندونزی.....، سیاسیون قدرت را به دست گیرند و جمهوری اسلامی شیکتر و دلرباتر برقرار کنند و بر این باورند که سلاح اتمی تنها وسیله ممکن برای تضمین و تثبیت قدرت نظامیان و قبولاندن آن به جهانیان است و برای دستیابی به آن به هیچ قیمتی کوتاه نخواهند آمد. با سرنگون کردن چند مورد هوایم‌های فرماندهان سپاه و خبرنگاران با قلع و قمع روزنامه‌های جناح مخالف حتی فیلتر کردن سایت بازتاب.... و در پایان سال ۸۵ به راه انداختن تئاتر فرار شهرام جزایری و بدنبال آن پاره‌ای تسویه حساب‌های درونی و در مورد اخیر که با همکاری پاره‌ای محافل اروپایی که سر در اخور جمهوری اسلامی دارند و از راهبرد جدید جمهوری اسلامی حمایت میکنند

، بعد از ۱۰ سال رشوه‌گیری پسر رفسنجانی از شرکت توتال را پیراهن عثمان کرده‌اند، سیاست مشت‌آهین را در بین خودیها به خوبی به اجرا گذاشتند و از شواهد پیداست امثال رفسنجانی ترجیح داده‌اند فعلاً به جای شکوه به خدا در عین همراهی به انتظار دوره بعد از کودتا بنشینند به این امید که این دوره زود به سر آید.

نظامیان برای علنی کردن و رسمیت بخشیدن حاکمیتشان و هر چه زودتر به اجرا درآوردن موج سرکوب نیاز به بهانه و اتوبی دارند (همانطور که در تابستان سال ۶۰ انفجار هفت تیر و بدنبال آن موج تظاهرات مسلحانه و ترور‌هایی که مجاهدین به راه انداختند عملاً اتو لازم را به رژیم که مترصد فرصت بود، داد تا موجی از سرکوب و کشتار به راه اندازد و سپاه در یک حرکت کودتا گونه به مقابله با نیروهای انقلابی برخاست و نتیجه مطلوب هم گرفت) و در حال حاضر در آرزوی یک جنگ کوچک یک حمله کوچک به یکی از تاسیسات و مراکز نظامی و اتمی از جانب دشمنان اسلام و وطن به سر میرود تا سپاهیان راهی خیابانها شوند. تهدید کردهای بیشمار اسرائیل و طرح مسئله هلوکاست، پافشاری بر روی غنی‌سازی اورانیوم، علنی کردن اقدامات سپاه قدس در کمک‌های مالی و نظامی به حزب الله لبنان، حماس در فلسطین، نیروی جیش‌المهدی و سپاه بدر در عراق، شیعیان یمن (که رئیس جمهور یمن رسماً اعتراض کرد) شیعیان بحرین و کویت، گلبدین حکمتیار در افغانستان.... بازداشت ملوانان انگلیسی، محاصره و سعی در دستگیر کردن نیروهای امریکایی در دهم فروردین، سعی در هم‌آورد طلبی و تحریک امریکا و انگلیس دارندولی نمی‌خواهند شروع کننده درگیری خودشان باشند تا بتوانند از آن

انچه بیان شد بدین معنی نیست که فقط جمهوری اسلامی بدنبال جنگ است میلیتاریست‌های امریکایی و انگلیسی هم در اندیشه جنگ دیگری در خاورمیانه هستند با این تفاوت که نمی‌خواهند اسیر جنگ فرسایشی دیگری شوند بلکه در پی جنگی سریع و برنده هستند جنگی که زمان و مکان آن را خودشان تعیین کنند.

ما با شرایطی به مانند سال ۶۰ مواجه هستیم (البته این بار وسیعتر و حادثه‌تر) که با تهاجم سریع و همه جانبه رژیم به صف انقلاب، نیروهای انقلابی که از قبل تحلیل درستی و ای بسا هیچ تحلیلی از رویدادهای تابستان ۶۰ نداشتند در ابتدا همه به نوعی شوکه شدند و مبهوت و نظاره‌گر ماندند و وقتی به خود آمدند که ضربات متعددی را دریافت کرده بودند و بدنبال آن پاره‌ای میدان را خالی کرده و عقب نشینی‌های بی حساب و بی هدفی را در پیش گرفتند و پاره‌ای هم با فرار به جلو برای حفظ خود به اغوش رژیم رفتند و عملاً به سوی مرگ و نابودی گام برداشتند. سرعت تحولات و اقدامات جمهوری اسلامی برای پیشبرد راهبرد جدید خود، هوشیاری و سرعت عمل بالای نیروهای انقلاب را میطلبد. ناگفته نماند که حمله رژیم به صف انقلاب بیشترین ضربات و کشتار را متوجه کارگران و زحمتکشان متوجه مرکز ثقل و کانون اصلی انقلاب متوجه پایگاه و جایگاه کمونیستها خواهد کرد، رژیم به این باور رسیده که تنها راه نجات منکوب و خفه کردن هر صدای اعتراضی در بین کارگران و زحمتکشان در بین معلمان و دانشجویان.... و برانداختن انقلاب از ریشه است و مسولیت ما سنگینتر شده، در تابستان ۶۰ مجاهدین با تظاهراتهای مسلحانه و ترورهای کور توده‌ها را به خانه راندند و به تماشای بدل نمودند و نیروهای انقلابی در برابر تهاجم وحشیانه رژیم تنها مانده و آن ضربات سنگین را بدون هیچ عکس‌العملی از جانب توده‌ها دریافت کردند، اینبار توده‌ها در برابر رژیم صف‌آرایی کرده‌اند و خلا نیروهای سیاسی چشمگیر است. نکته مهم این است که ما (منظور کمونیستها) نباید با مطرح کردن کمبود نیرو عدم حضور خود را توجیه کنیم، توده‌ها راه خود را یافته‌اند و

شعر از خوزه مارتی .

برگردان به فارسی : م. ایزد یار

بیست و پنجم آنه رو دوهزار و هفت .

در این قطعه شعر نوشته «خوزه مارتی» سعی در ترجمه مفاهیم نوشته شده گردیده و نه کلمه به کلمه آن چه در غیر اینصورت مفهوم آن مخدوش می شد . از نظر مترجم اهمیت این شعر در تفسیر حرکت و زنده بودن و مقایسه آن با «زانو» می باشد چرا که زانو نشانگر حرکت و جستجوگری انسان می باشد و در بیان توانای شاعر خم شدن آن علامت اصرار مذهب به تسلیم انسان در برابر نماینده سرمایه که کاری به غیر از مفت خوری و آن هم در کریه ترین شکل آن را ندارد می باشد .

خوزه مارتی که متولد سال هزار و هشتصد و پنجاه و سه می باشد و انطور که من در تصور دارم هنوز تاریخ مرگ او بر کسی روشن نمی باشد و شاهد آن نوشته های او در این صفحات موجود است یکی از پیشرو ترین شاعران اسپانیایی زبان است که در آزاد کردن شعر از قید و بند که همان نشان آزاد شدن انسان برای ابداع و بیان های پیچیده ای است که با زبان روز مره گفتن آن غیر ممکن می باشد بود.

انسان فی نفسه مرگ را نمی خواهد بپذیرد و با این تصور از آن وحشت دارد . خوزه مارتی هم چون انسان های دیگر خود را در کوچه بن بست می یابد . و در عین حال متوجه داستان واقعی پلیدی های انسان در آن کوچه بدون برگشت می شود . و لی کنجکاو وی او را به پرواز دید خود و تصور انتهای این کوچه بن بست می کشاند . و بعد از دیدن انتهای آن کوچه بن بست است که خشم بر او چیره می شود و اعتراض خود را با شعر به تصویر می کشد . و همانطور که منظور اعتراض خوزه مارتی که به بهترین طریق بیان کرده . جایی که علف بیشتر از معمول رشد کرده کرم ساقه های آن را می خورد آنجا که انسان متوجه فریب خود شود مذهب با قدرت فریب او را به زانو در می آورد که در این نوشته کرم را همسان کلیسا دانسته است . من شخصا با نوشته های این شاعر آشنایی ندارم دو روز پیش در بین کتابهایی که در اطاقم گرد می خوردند با کتاب این نویسنده آشنا شدم و نوشته های او مرا به این اندیشه راه برد که در راه مبارزه با سرمایه تنها نمی باشیم فروغ ها خیام ها و کودکان متلاشی شده از بمب ها هر کدام حرفی برای گفتن دارند که همراه و هماهنگ با طبیعت می باشد دلم می خواست بیشتر با شما درد دل کنم ولی چشمان من از تصور انتهای این کوچه بن بست که چشمهای خوزه مارتی برای ما تصویر کرده است خسته شده و با آرزوی اینکه کوچه دیگری برای شما در پیش باشد در این ساعت از تاریخ برای شما کوچه دیگری را آرزو دارم.

م. ایزد یار . «نامه رسان»

در کوچه بن بست سیاه تاریکی

مکانی که تمام پلیدی ها از آن گذر کرده اند

چشمهایم را به دیدن دور دستها پرواز می دهم

و کلیسا را همانند شکمی که غذایی را دریده وار بلعیده است

در گوشه ای می بینم .

آیا آن نمایان سوال بدون جواب می باشد ؟

و یا نشانه زانوایی است که وظیفه آن خم شدن است .

شب از خود وحشت می کند

و به خود می لرزد

و در جایی که علف بیشتر از معمول قد کشیده

کرم ساقه های آن را می خورد

و زانوی آن را مجبور به خم شدن می کند .

زاغی

همراه با جیرجیرکی

با صدایی مکرر

و هماهنگ

نوای پاییز را می نوازند

پرواز مردمک چشم هایم بار دیگر

انتهای گذر گاه را می نگرد

و آن شکم بزرگ

شکل کلیسایی را بخود گرفته .

منتظر نخواهند ماند تا ببینند ما چه میگوییم و کی اعلام حمله میکنیم مشکل آنها بر سر حرکت کردن نیست که ما نگران باشیم که به واسطه نبود نیرو نمیتوانیم انگیزه حرکت را در آنها بوجود آوریم بلکه مشکل بر سر به نتیجه مطلوب رسیدن حرکت است که حضور سیاسی ما میتواند متضمن آن باشد و لازمه آن اعلام حضور به هر طریق ممکن است .

همانطور که جمهوری اسلامی بعد از سالها سرکوب و غارت دریافته یک حاکمیت قدرتمند و یکپارچه برای مقابله با صف انقلاب نیاز است ما هم بعد از سالها پیکار تحت عناوین و سازمانهای متعدد با جمهوری اسلامی و دریافت ضربات سنگین از این رژیم که پاره ای از این سازمانها را تا مرز تلاشی پیش برد باید دریافته باشیم که بزرگترین ضعف ما پراکندگی و سکتاریسم است (منظور از ما تمام نیروهای در جنبش چپ است) بزرگترین ضعف ما گروه گرایی و گروه محوری است . وقت تنگ است و رژیم حمله گسترده را آغاز کرده است ، هر چه سریعتر با تمام توان و نیرو برای وحدت و یکپارچگی گام برداریم نه در حد بیانیه و اعلامیه بلکه عملی و اجرایی حتی اگر لازم باشد از پاره ای علایق و سلايق خود چشم پوشی کنیم (بخشی از تشتت درون جنبش چپ سلیقه ای است نه ایدئولوژیک ، به عنوان مثال وقتی مواضع طیف های مختلف فدایی را بررسی کنیم بیشتر اختلافات شکلی و کلامی دارند تا ماهیتی و محتوایی) و هر چه سریعتر این اتحاد را تحت یک عنوان به توده ها عرضه کنیم . سازمان ما با توجه به موقعیت خاص خود که مورد اقبال اغلب جریانات چپ قرار دارد مسولیت سنگینی بر دوش دارد ، سازمان میباید و میتواند با تاکید بر اورژانسی بودن وضعیت با طرح یک فراخوان و درخواست از تمام نیروهای چپ انقلابی برای برپایی یک گردهمایی ، کنفرانس یا کنگره یا هر عنوان دیگری اقدام کند که در آن تمام شرکت کنندگان با طرح دیدگاههای به نکات مشترکی رسیده و با دستیابی به تاکتیکهای عملی مشخص گامهای جدی برای سرنگونی جمهوری اسلامی برداشته شود تا جای هیچگونه عذر و بهانه ای نماند . هر گونه کوتاهی و از دور دستی بر آتش داشتن از جانب هر نیرویی جز اینکه عملا کمک به راهبرد جدید رژیم و شکست سنگین انقلاب و تداوم حیات ننگین این رژیم برای مدت مدیدی بیانجامد نتیجه دیگری در بر ندارد . تا سیه روی شود هر که در او غش باشد .

مسعود

فروردین ۸۶

کار کمونیستی

زیر نظر شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
منتشر میشود.

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست
+۴۶۱ ۳۱۷۷۹۲۵۷۱
سایت سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

روابط عمومی

Webmaster@fedayi.org

شورای مرکزی

centralconcil@fedayi.org

نشریه کار کمونیستی

kar@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org